

مطالعات تاریخی جنگ؛ نشریه علمی؛ مقاله علمی - پژوهشی
دوره چهارم، شماره اول (پیاپی ۱۱)، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۱۵-۱۳۷

بررسی علل بحران‌های اجتماعی ایران در جنگ جهانی اول با نگاه به مطبوعات

الهام ملک‌زاده؛* کامران حماني**

چکیده

جنگ جهانی اول برای مردم ایران گرفتاری‌های بی‌شماری را در پی داشت؛ مناطق وسیعی از کشور در اثر جنگ تخریب شد، ده‌ها هزار نفر دچار قحطی شدند و یا بر اثر بیماری از بین رفتند. در پی این شرایط، ناامنی و قتل و غارت‌های روزانه در همه مناطق کشور به امری عادی در طول جنگ تبدیل شد. این بحران‌های اجتماعی از علل داخلی و خارجی نشأت گرفته بود. در این پژوهش، با بررسی بحران‌های اجتماعی ایران در دوره مورد بحث و براساس روش توصیفی - تحلیلی، ریشه‌ها و علل واقعی این بحران‌ها بر پایه بررسی مطبوعات و روزنامه‌های آن روزگار، واکاوی و مورد مذاقه قرار گرفته است. بر این اساس، نگارندگان در پی پاسخ به این سؤال هستند که چه عواملی در شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی ایران، در جنگ جهانی اول نقش داشته است؟ نتایج حاکی است برخلاف دیدگاه برخی از محققان، عوامل داخلی از جمله دولت، محتکران و خبازخانه‌ها در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های اجتماعی ایران در جنگ جهانی اول، نقش مهم‌تر و مخرب‌تری داشتند؛ هرچند که نمی‌توان نقش دول متجاوز خارجی را در این بحران‌ها نادیده گرفت.
کلیدواژه‌ها: ایران، جنگ جهانی اول، بحران‌های اجتماعی، متفقین.

* عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

kamranhamani@yahoo.com

** دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام از دانشگاه تربیت مدرس.

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶ |

بیان مسئله

مطبوعات به عنوان رکن بسیار مهم جوامع، علاوه بر اینکه در تنویر افکار عمومی و تکوین حرکت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نقش بسیار مؤثری دارند و تأثیرگذاری آن‌ها در هر جامعه‌ای غیرقابل انکار است، همچون آینه‌ای هستند که در هر عصر و زمانه‌ای، چگونگی اوضاع و احوال فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را بیان می‌کنند؛ از این منظر، می‌توان گفت کاوش، بررسی و مطالعهٔ مطبوعات هر زمان و مکانی، یکی از مطمئن‌ترین و منطقی‌ترین وسیلهٔ شناخت حوادث و رویدادهای تاریخی آن زمان و مکان است؛ از طرف دیگر، منابع روزنامه‌ای، اساس تاریخ‌نگاری معاصر است که در دهه‌های اخیر، بیش از دیگر منابع تاریخی از سوی محققان به آن توجه شده است؛ از این رو، می‌توان به نقش بی‌بدیل مطبوعات ایران در بازنمایی بحران‌های اجتماعی ایران در جنگ جهانی اول پی برد. از طریق اخبار مطبوعات این دوره، می‌توان بسیاری از زوایای تاریک و ناشناختهٔ تاریخ ایران را در این برههٔ زمانی مهم و حسّاس روشن کرد.

با وجود بی‌طرفی ایران، در طول جنگ جهانی اول خسارات زیادی بر پیکر ایران وارد شد. ورود بی‌محابای قوای بیگانه و نیروهای متخاصم به خاک ایران، در فقدان یک دولت قوی، متمرکز و دارای سامانهٔ اداری کارآمد، هرج و مرج، ناامنی، پراکندگی و بی‌ثباتی را دامن زد و به تشدید ضعف دولت مرکزی و وخامت حال و وضع اقتصادی و اجتماعی مردم ایران انجامید؛ در نتیجه، ایران بی‌طرف که با هیچ کشوری در جنگ نبود، تقریباً به اندازهٔ یک کشور در حال جنگ، خسارت و خرابی را متحمل شد. در طول جنگ جهانی اول، ایران با بحران‌های اجتماعی بی‌شماری دست‌وپنجه نرم کرد. شناسایی منشأ شکل‌گیری این بحران‌ها می‌تواند نقش مهمی در بازسازی تاریخ گذشتهٔ کشورمان به‌خصوص دوران جنگ جهانی اول داشته باشد.

پیشینه پژوهش

در مورد جنگ جهانی اول و آثار آن در ایران، پژوهش‌های ارزشمندی انجام شده است. محمدقلی مجد در کتاب *قحطی بزرگ*، به بررسی و تحلیل جامعی از تلفات پرداخته است. مجد در این کتاب، ضمن بررسی تلفات ایران در این جنگ که آن را نسل‌کشی می‌نامد، به بررسی نقش قدرت‌های خارجی در شکل‌گیری مشکلات اجتماعی ایران می‌پردازد و بیش از همه، نقش انگلستان را در این رویداد برجسته می‌کند. مجد توجه

چندانی به نقش عوامل داخلی شکل‌گیری و تشدید بحران‌های اجتماعی ایران ندارد. محمدعلی جمال‌زاده در کتاب *گنج شایگان*، تغییرات قیمت کالاهای اساسی را روایت می‌کند و به تحلیل و علت‌یابی این مسئله نمی‌پردازد. جان فوران نیز در کتاب *مقاومت شکننده*، اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ وضعیت ایران در این جنگ ارائه می‌دهد. الهام ملک‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «روایت اسنادی نقش روسیه و شوروی در بحران قحطی جنگ جهانی اول در ایران»، تنها به بررسی نقش این کشور در قحطی ایران در جنگ جهانی اول پرداخته است. ایشان در مقالهٔ دیگری با عنوان «روایت اسنادی قحطی شرق ایران در جنگ جهانی اول»، با تکیه بر اسناد منتشر نشده، به بررسی نقش عوامل داخلی، خارجی و طبیعی در بروز قحطی در ایران و به‌خصوص شرق کشور پرداخته است. مقالات دیگری از محقق مذکور در همین زمینه منتشر شده که غالباً با تکیه بر اسناد است؛ از جمله می‌توان به «اعتراضات مردمی در برابر نقش استعماری انگلستان در بروز قحطی ایران»، «مصائب بی‌طرفی گزارشی از درگیری ایران در جنگ جهانی اول» و «بوشهر و قحطی جنگ جهانی اول به روایت اسناد آرشیو ملی ایران» اشاره کرد. سهیلا ترابی در مقالهٔ «نگاهی به وضعیت ارزاق در ایران در سال‌های جنگ جهانی اول»، وضعیت ارزاق عمومی ایران را در این دوره، به‌صورت توصیفی و گزارشی بررسی کرده است. البته باید اشاره کرد که در لابه‌لای مطالب این مقاله، از اخبار مطبوعات نیز استفاده شده است، اما شاید مهم‌ترین منبع مرتبط با پژوهش حاضر، کتاب *جنگ جهانی اول تا کودتا اثر حسین آبادیان* باشد که نویسنده بحثی را با عنوان «احزاب سیاسی، مطبوعات و بحران ایران» به گزارش مطبوعات، از جمله روزنامه‌های رعد و استخر در ارتباط با جنگ و قحطی اختصاص داده است. با توجه به این منابع، می‌توان گفت که موضوع این پژوهش از دو نظر نو است: اول اینکه بررسی علل داخلی بحران‌های اجتماعی ایران به‌صورت ویژه برای اولین بار در این پژوهش انجام شده است و دوم اینکه تکیهٔ اصلی این پژوهش برخلاف تحقیقات ذکر شده، بر اخبار مطبوعات می‌باشد.

روش تحقیق

این مقاله در صدد است تا با رویکرد توصیفی - تحلیلی و به شیوهٔ مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی و تحلیل و استخراج اخبار مطبوعات در باب علل بحران‌های اجتماعی ایران

در جنگ جهانی اول پردازد. مبحثی که در این مقاله برجسته خواهد شد، نقش عوامل داخلی در بروز بحران‌های اجتماعی در جنگ جهانی اول در ایران است.

بحران‌های اجتماعی ایران در جنگ جهانی اول

از نظر لغوی، واژه بحران به معنای فشار، اضطراب، فاجعه، بلا، خشونت یا خشونت اجتماعی به کار می‌رود. در تعریف بحران‌های اجتماعی نیز باید گفت، هرگاه در جامعه، اختلالاتی پدید آید که عملکرد بهنجار و معمولی حیات اجتماعی را به مخاطره افکند، سخن از این نوع بحران است. اگر بحران اجتماعی فقط جزئی از جامعه را فراگیرد و یا با مسائل خاصی مرتبط شود، جزئی خوانده می‌شود و زمانی، بحران اجتماعی عمومی خواهد بود که مجموع ساخت‌ها و نهادهای یک جامعه، به جهت عدم انطباق آن با انتظارات موجود در جهت پیشروی جامعه جدید و مترقی، موجب نابسامانی عمومی و فراگیر در جامعه شده و پیدایی دگرگونی‌های اجتماعی بسیاری را قابل پیش‌بینی سازد (ابطحی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷)؛ با این وصف، وضعیت اجتماعی ایران در جنگ جهانی اول، به معنای واقعی کلمه با بحران روبه‌رو بوده است. بحران‌های اجتماعی که ایران در این دوره زمانی با آن‌ها روبه‌رو بوده، شامل موارد فراوانی است که پرداختن به همه آن‌ها در بضاعت این پژوهش نیست، اما نگارندگان سعی کرده‌اند با توجه به اخبار روزنامه‌های ایران در این دوره، مهم‌ترین بحران‌های اجتماعی ایران، از جمله قحطی و کمبود مواد غذایی، بیماری‌های مسری، مرگ‌ومیر، ناامنی، قتل و غارت را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند.

قحطی و کمبود مواد غذایی و شیوع بیماری‌ها

قحطی بزرگ در زمان جنگ جهانی اول یکی از بزرگ‌ترین فاجعه‌های تاریخ ایران و فراتر از وقایع پیش از آن است که بسیاری از مردم ایران را به کام مرگ کشاند. پس از پایان جنگ، اقتصاد ایران با بحران‌های شدیدی روبه‌رو شد. منابع مختلف تاریخی از نابسامانی‌های اقتصاد ایران و مشکلات عدیده مردم در زمینه تهیه مایحتاج اولیه و ارزاق عمومی سخن گفته و پرده‌های رقت‌انگیزی از تراژدی ایران پس از جنگ را ترسیم نمودند. از اوایل جنگ جهانی اول، بحران مواد غذایی و به‌طور خاص، بحران نان در تهران و بسیاری از شهرهای ایران فراگیر شد. این بحران در شهرستان‌ها شدیدتر بود؛ در

شیراز، مسئله کمی غله و نبودن آذوقه، به تدریج مشکلاتی برای مردم به وجود آورد و قیمت‌ها به صورت تصاعدی بالا رفت (عصر جدید، س سوم، ش ۵۰، ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۵، ص ۳). در روزهای بعد، اقدامات دولت در وارد کردن گندم از اصفهان نیز تأثیری در کاهش قیمت نان و غله شیراز نداشت (عصر جدید، س سوم، ش ۵۳، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۵، ص ۲).

عین‌السلطنه نیز درباره وضعیت تهران می‌نویسد: «دو نفر آدم دم دکان نانوائی کشته شده. سقط جنین مکرر بر مکرر واقع می‌شود. زخم و زخم‌کاری کار همه روز است» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۷۸۹۸/۱۰). از سراب گزارش شده بود که سیصد نفر از فقرا تمام دکان‌ها و بازار را بسته بودند و تا زمان جمع‌آوری اعانه برای آن‌ها، اجازه بازگشایی نمی‌دادند (تجدد، ۵ رمضان ۱۳۳۵، ص ۳). طبق گزارش روزنامه کوکب ایران، یکی از اهالی نرمانشیر کرمان، به علت فقر شدید به عنوان کنیزی به مبلغ ۲۰۰ تومان به سردار کل فروخته شده است (کوکب ایران، ش ۲۱، ۱۳ شوال ۱۳۳۵، ص ۳). در خاطرات محمد کمره‌ای نیز به کشته شدن آسیابانی هنگام غارت آرد در کمره^۱ اشاره شده است (کمره‌ای، ۱۳۸۴: ۱۹۴/۱).

مرگ‌ومیر

در طول سال‌های جنگ جهانی، به دلیل قحطی و بیماری، عده زیادی از مردم ایران مردند و تغییرات جمعیتی چشمگیری در سطح کشور به وجود آمد. گزارش عین‌السلطنه از مرگ‌ومیر مردم تهران، کاشان و قم هر چند اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد، اما بسیار تکان‌دهنده است: «سال گذشته در طهران مطابق آنچه نظمیّه صورت برداشته بود یک‌صد و هشتاد و شش هزار نفر آدم از گرسنگی و از ناخوشی که نتیجه همان گرسنگی بود تلف شده است. درست در طهران قلت جمعیت محسوس است. در کاشان سی هزار نفر آدم مرده. در قم که غالب خانه‌ها همان‌طور درش قفل است که تمام ساکنین آن بدرود زندگانی گفته‌اند» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۵۳۷۳/۷-۵۳۷۲). گرانی و قحطی در سال ۱۳۳۶ ق. به اوج خود رسیده بود و این مسئله علاوه بر مرگ‌ومیر، سوء تغذیه را نیز در پی داشت. رعد در شماره ۲۷ صفر خود می‌نویسد: «حقیقتاً اوضاع ارومیه به نحوی است که انسان از دیدنش خون می‌گرید» (رعد، س نهم، ش ۲۳، ۲۷ صفر ۱۳۳۶، ص ۲). سرگرد نیلستروم که در

^۱. سابق خمین.

سال‌های جنگ جهانی اول از شیراز دیدن کرده است، تلفات آنفولانزا و وبا را در این شهر فاجعه‌بار توصیف کرده است (نیلستروم، ۱۳۸۹: ۹۳). در تهران، اجساد روی زمین می‌ماند و کسی نبود حتی آن‌ها را دفن کند؛ «نه تنها زندگان را بی‌تکلیف گذارده بلکه اموات را هم دچار محذور و بی‌تکلیفی نموده است» (نوبهار، ش ۸۶، ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶، ص ۲). رعد در اوایل سال، از اصفهان گزارش می‌دهد: به واسطه گرسنگی و کمی غله، اهالی شهر مضطرب بودند و چهارده روز بود تمام دکان‌ها تعطیل و اهالی در تلگراف‌خانه متحصن شده بودند. روزی نبود پنجاه نفر از گرسنگی تلف نشوند (رعد، س نهم، ش ۲۶، ۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۶، ص ۴؛ سند شماره ۲۹۰/۷۰۶۰، محل در آرشینو ۱ از ۴ ت ۸۱۴). در کاشان نیز حکومت از مرگ فقرا به علت گرانی نان و عدم استطاعت اهالی خبر داد (رعد، س نهم، ش ۳۴، ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۶، ص ۲). در قم، طبق گزارش‌ها در ظرف چهار روز، قریب به پنجاه نفر در این شهر از گرسنگی مرده بودند (رعد، س نهم، ش ۵۳، ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶، ص ۲). مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های مسری به سال‌های بعد از جنگ نیز کشیده شد. به گفته محمد تمدن در کتاب *تاریخ رضائیه*، در سال‌های بعد از جنگ، تعداد فقرا و مساکین جمع‌آوری شده به چهار هزار و پانصد نفر رسیده بود، اما بیماری زکام و وبا، علاوه بر آنکه پانزده هزار نفر از مردم دهات را نابود کرد، سراغ این چهار هزار و پانصد نفر نیز آمد. از آنجاکه دکنتر و وسایل معالجه و داروی کافی نبود و از بهداشت نیز اطلاعی نداشتند، ساکنان این «دارالعجزه‌ها» به مرض جرب (گال) نیز مبتلا شدند که از تعداد چهار هزار و پانصد نفر ساکنان این دارالعجزه‌ها جز دویست تن از این بیماری‌ها، جان سالم به در نبردند (تمدن، ۱۳۵۰: ۳۱۴). برآوردها درباره کاهش جمعیت کشور بعد از جنگ، متفاوت است. یحیی دولت‌آبادی معتقد بود که ربع جمعیت تهران بر اثر قحطی و بیماری جان خود را از دست دادند. به عقیده وی، «راستی تهران خلوت شده و کسر جمعیت آن نمایان است» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۹۰/۴). محمدقلی مجد نیز مرگ‌ومیر مردم ایران در جنگ جهانی اول را «بزرگ‌ترین فاجعه تاریخ ایران» و «بزرگ‌ترین نسل‌کشی‌های قرن بیستم» می‌داند و در یک جمع‌بندی معتقد است که نزدیک به ۴۰ درصد از مردم ایران، به سبب گرسنگی و سوء‌تغذیه و بیماری‌های ناشی از آن، از صحنه روزگار محو شدند (مجد، ۱۳۸۷: ۱۵). جان فوران تنها تلفات ناشی از قحطی بزرگ را بررسی کرده است و آن را از یکصد هزار نفر تا ۲ میلیون نفر می‌داند (فوران، ۱۳۸۹: ۲۹۶). هرچند این گزارش‌ها تخمینی و اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد، اما می‌توان چنین

برداشت کرد که جنگ جهانی اول و بحران‌های ناشی از آن، باعث مرگ جمع کثیری از مردم ایران شده است.

ناامنی و گسترش قتل و غارت

یکی از اخبار مهم روزنامه‌ها در دوره جنگ، مسئله عدم امنیت جانی و مالی مردم ایران در شهرهای مختلف و گسترش روزافزون اشرار و سارقین در مناطق مختلف کشور بود. به گزارش روزنامه نوبهار، دهات اطراف اردبیل به هنگام برداشت محصول، به وسیله عشایر منطقه، چپاول و غارت شده و این نواحی دستخوش آشوب شده بود (نوبهار، س چهارم، ش ۶۳، ۲۴ رمضان ۱۳۳۳، ص ۳). در ارومیه، وضعیت اجتماعی بسیار بغرنج گزارش شده بود. روزنامه ستاره ایران درباره وضعیت این منطقه نوشت: «ارامنه و نصارا آنچه لازمه بی‌وجدانی و خلاف انسانیت است، می‌کنند هرچه عشایر و اکراد از ایشان گرفته ده برابر آن را از مسلمانان بیچاره و فلک‌زده و بی‌صاحب می‌گیرند می‌ریزند خانه مردم؛ یکی می‌گوید این اسب مال من است، دیگری می‌گوید این قالیچه مال عمومی من بود باید ببرم ...» (ر. ک. ستاره ایران، س اول، ش ۱۵، ۲۶ رمضان ۱۳۳۳، ص ۳). روزنامه تنبیه درخشان در ۲۷ ذیحجه همین سال، درباره اشرار و عملکرد دولت در مقابله با آنها نوشت: «ظفر نظام چندیست در اطراف فشافویه و غار با یک دسته سوار، مشغول قتل و غارت می‌باشد و ابداً دولت به خیال دستگیری او نیست و چون بکلی قزاق در اینجا بیکار و از بیکاری و ول‌گردی به تنگ آمده‌اند خوب است دولت یک عده از قزاق را مأمور کرده شر این دزدها را از سر رعایای بدبخت کوتاه نماید» (ر. ک. تنبیه درخشان، س نهم، ش ۳۵، ۲۸ ذیحجه ۱۳۳۳، ص ۷). روزنامه آفتاب از درگیری نیروی‌های دولتی با اشرار سمنان خبر می‌داد (آفتاب، س سوم، ش ۳۱، ۱۳ صفر ۱۳۳۳، ص ۲). در ماه بعد، بار دیگر در سمنان اشرار خانه‌های مردم را غارت کرده و چند نفر را به قتل رساندند. در کردستان نیز طوایف گلباغی دست به شرارت زدند (آفتاب، س سوم، ش ۳۶، ۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۳، ص ۳؛ سازمان اسناد و کتابخانه مالی ایران، سند شماره ۲۴۰/۹۷۸، محل در آرشیو ۱۱۸ ب ۲ آ ۱). در خواف، اشرار افغانی به منطقه یورش برده و اموال مردم را غارت کردند (ارشاد، س نهم، ش ۱۹، ۳ ربیع‌الاول ۱۳۳۳، ص ۲). در ۱۵ صفر ۱۳۳۴ ه. ق. در رباط کریم، اشرار ضمن غارت منطقه با نیروهای دولتی درگیر شدند (سپهر، ۱۳۳۶: ۲۷۶). در سبزوار و نیشابور، راهزنان و سارقین دهات و قصبات اطراف را مورد حمله قرار داده

و این نواحی را غارت کردند (ایران، س دوم، ش ۲۵۴، ۱۰ رمضان ۱۳۳۶، ص ۱). در رجب سال ۱۳۳۶ ق. چند نفر از اشرار شهری، سالار منظم، رئیس نظمیه را در بازار شهر به قتل رساندند (روزنامه کاوه، ش ۲۷، ۳ رجب ۱۳۳۶، ص ۷). شکایات مردم به مجلس شورای ملی نیز در این زمان بیشتر در سرقت و ناامنی‌های به وجود آمده، در پی جنگ جهانی اول است. غارت اموال مردم در نواحی مختلف کشور، موضوع اصلی این شکایت‌نامه‌هاست (ملک‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۹-۶۴). روند کلی گزارش روزنامه‌ها که در چند سال پیاپی جنگ جهانی اول جمع‌آوری شده است، چندین موضوع را به وضوح نشان می‌دهد:

- ۱) کشور تا حدود زیادی به بحران امنیت گرفتار شده و بیشترین آسیب به مردم شهرها و مناطق غیر از پایتخت وارد شده است؛
- ۲) دولت ایران در این برهه زمانی صرفاً یک عنوان را یدک می‌کشیده و هیچ کنترلی بر این بحران نداشته است؛
- ۳) رشد و گسترش گروه‌های اشرار در مناطق مختلف کشور: افزایش تعداد اشرار به‌طور مستقیم به پدیده جنگ و بحران‌های به وجود آمده در این زمان، از جمله قحطی مربوط می‌شد، اما نکته ظریفی که در این گزارش‌ها توجه بدان حائز اهمیت است همراهی روس‌ها با اشرار در غارت و قتل‌عام مردم بود. آن‌ها علاوه بر آنکه به عنوان متجاوز به ایران وارد شدند و کنترل مواد غذایی کشور را به همراه انگلستان به دست گرفتند، دست به غارت اموال و مواد غذایی اندک مردم نیز زدند.

نقش کشورهای خارجی در بحران‌های اجتماعی ایران

تشدید قحطی

در ماه رمضان ۱۳۳۳ ق. روس‌ها در قائنات، منازل مردم را برای کشف سلاح تفتیش و به ناموس مردم، تجاوز کردند (ستاره ایران، س اول، ش ۱۵، ۲۶ رمضان ۱۳۳۳، ص ۳). در ماه شوال ۱۳۳۵ ق. در تبریز، قحطی بیداد می‌کرد. روسیه درگیر مسائل داخلی بود و محصولی از آنجا به آذربایجان نمی‌رسید؛ از آن‌سو، انگلیسی‌ها نیز از طریق راه تهران اجازه نمی‌دادند آذوقه به تبریز حمل شود (نوبهار، ش ۲۰، ۱۳ شوال ۱۳۳۵، ص ۳). با آغاز جنگ جهانی اول، کمپانی هند شرقی انگلیس نیز با همکاری و مساعدت قوای انگلیسی، اموال برخی از تاجران ایرانی را به بهانه‌های مختلف غارت و مصادره کرد (ملک‌زاده و

دیگران، ۱۳۹۲: ۵۷). عین‌السلطنه در خاطرات خود ضمن اشاره به احتکار مواد غذایی به‌وسیله روس‌ها و انگلیسی‌ها نوشته است: «ادارات قشونی روس از یک طرف، انگلیس از طرف دیگر، متصل ارزاق ما را گرفته برای خود و قشون خود انبار می‌کنند؛ بلکه دولت انگلیس برای تضییق ما، گرفتاری ما حکم کرده است، بانک شاهنشاهی هم غله خریده انبار کند. چنانچه در قزوین که با مرکز قشون او به اسم پلیس ایران فرسنگ‌ها فاصله است بانک گندم خریداری و انبار می‌کند» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۶/۴۹۰۴).

تجاوز روس‌ها به همدان و درگیری با مردم این شهر و همچنین احتکار مواد غذایی از سوی ملاکین باعث قحطی در همدان شد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۳۹۹، محل در آرشیو ۲۰۴ آ آ ۳ آ ۱؛ همان، سند شماره ۲۴۰/۴۳۸۱، محل در آرشیو ۶۰۹ چ ۱ آ آ ۱؛ همان، سند شماره ۲۹۰/۵۷۹۲، محل در آرشیو ۱ آ ۴ ت ۸۱۴). آن‌ها با تجاوز به کرند (دالاهو) کرمانشاه، اموال مردم را تصاحب و قحطی در این منطقه را نیز تشدید کردند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۴۸۵۱، محل در آرشیو ۴۱۸ چ ۴ آ آ ۱).

واحد‌های نظامی روس و عثمانی به هرجا وارد می‌شدند و هرچه را می‌یافتند، خراب و مواد خوراکی مورد نیاز خود را غارت می‌کردند. بر اساس گزارش اداره مالیه آذربایجان به وزارت مالیه، عثمانی‌ها تمام غله خریداری شده برای ماکو را تصرف و مصرف کردند (ملک‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۲۸). ملک‌زاده که اسناد مربوط به نقش کشورهای خارجی را در بحران‌های ایران در جنگ جهانی اول بررسی کرده، معتقد است بسیاری از کسانی که به دلیل گرسنگی هلاک شدند اهالی آذربایجان بودند که از ترس سالدات‌های وحشی و افسارگسیخته روسی، سر به بیابان گذاشته و در آنجا، بر اثر سرمای شدید و گرسنگی، جان باختند (ملک‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۴۰). سراسر اسناد و مدارک مربوط به مناطق شمالی، غربی و حتی شرق ایران، از هجوم، غارت، دزدی، هتک حرمت، کشتار و بی‌رحمی‌های سالدات‌های روسی در آذربایجان، گیلان، مازندران، خراسان، کرمانشاه، قزوین، تهران و حتی اصفهان، مشحون است که موجب کشتار بسیاری از مردم بی‌گناه کشورمان شد (همانجا؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۹۹۵۶۴، محل در آرشیو ۱ آ آ ۲ د ۵۰۲). حضور بیگانگان و هرج‌ومرج سیاسی کشور، نه تنها باعث قحطی و مرگ‌ومیر شد؛ بلکه بر ناامنی راه‌ها افزود و سارقان را قادر ساخت به راحتی دست به غارت و یغما بزنند، اما در این میان، نباید نقش عوامل داخلی را دست‌کم گرفت؛ چراکه

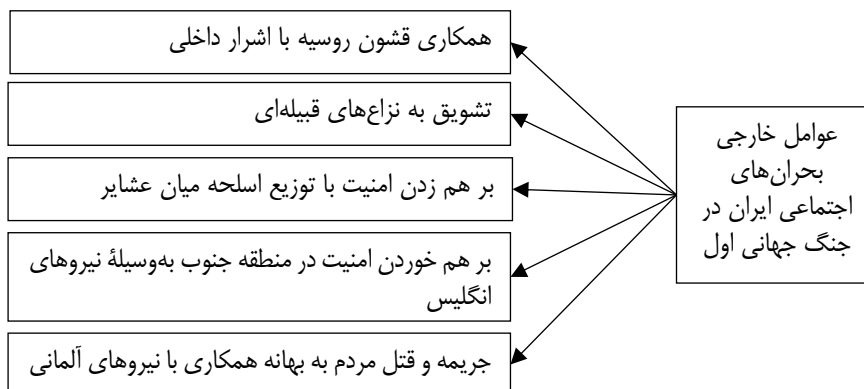
با نگاهی گذرا به روزنامه‌های ایران در این برهه زمانی، به وضوح نقش عوامل داخلی از جمله دولت و حکام ولایات، نظامیان، دلالان و دست‌اندرکاران نانوائی‌ها را در تشدید بحران‌های اجتماعی می‌بینیم.

ایجاد ناامنی و قتل غارت

هرچند ایران در جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی کرد، اما کشورهای درگیر در جنگ توجهی به آن نکردند؛ بنابراین، مناطق مختلف کشور، عرصه درگیری‌های آن‌ها شد. قرار گرفتن ایران در مدار جنگ جهانی و دخالت‌های انگلستان و روسیه در امر ارزاق عمومی، احتکار و تحریک عشایر مناطق مختلف کشور به شورش، باعث به وجود آمدن بحران‌های اجتماعی از جمله ناامنی، قحطی و مرگ‌ومیر در ایران شد. در سال ۱۳۳۳ در بیرجند، مردم این شهر از آمدن قوای انگلیس و روسیه ناراضی بودند و شهر در اضطراب نگران‌کننده‌ای فرو رفته بود (نوبهار، س چهارم، ش ۶۵، اول شوال ۱۳۳۳، ص ۳؛ مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۳ ه. ق، کارتن ۳۶، دوسیه ۱؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۷/۹۶۹۵، محل در آرشیو ۱ آب ۳ چ ۱۱۵؛ همان، سند شماره ۲۹/۵۷۷۵، محل در آرشیو ۱ آب ۲ ن ۷۱۸). در مشهد، به تحریک انگلیسی‌ها، نزاع‌های قبیله‌ای میان دو طایفه بربری و تیموری شدت یافت و این نزاع باعث کشتار و خونریزی شد. علاوه بر آن، شرارت‌های قوای انگلیسی هندی و برهم زدن امنیت جنوب کشور باعث واکنش مردم به آن‌ها شد و اهالی شیراز، کازرون، دلوار و دیگر نواحی، برای رویارویی با نیروهای انگلیس مسلح شدند (نوبهار، س چهارم، ش ۶۶، ۴ شوال ۱۳۳۳، ص ۳). آن‌ها حتی توانستند پلیس جنوب را مجبور به عقب‌نشینی از شیراز و نواحی اطراف آن کنند (نیلستروم، ۱۳۸۹: ۹۲). در ماه رمضان این سال، تنگستانی‌ها چند صاحب‌منصب انگلیسی را به قتل رساندند (بامداد روشن، س اول، ش ۶۸، ۸ رمضان ۱۳۳۳، ص ۲).

انگلیسی‌ها در قائن، بهانه و دستاویز جدیدی برای آزار و اذیت مردم عَلم کرده بودند و آن، مسئله «آلمانی‌ها است که هرکس را می‌خواهند جریمه کنند می‌گویند آلمان‌ها به خانه تو آمده یا تو به آن‌ها مربوط یا به آن‌ها اسباب فروخته خلاصه آنکه چندی است از این راه مشغول تعدی به مردم بدبخت هستند» (حبل‌المتین، ش ۲۶، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۴، ص ۲۰). مشابه چنین اقدامی از سوی روس‌ها در رشت صورت گرفت. آن‌ها در این شهر، عده‌ای را به جرم همکاری با آلمانی‌ها به قتل رساندند (ارشاد، س دهم، ش ۸، ۱۲

صفر ۱۳۳۴، ص ۳). آن‌ها همچنین در خیابان‌های رشت و منجیل، با حالت مستی عبور کرده و با ورود به مسجد جامع، مقدّسات اسلامی را به استهزا گرفتند (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۳ ه. ق، کارتن ۳۶، دوسیه ۶؛ مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۳ ه. ق، کارتن ۴۲، دوسیه ۷۷). روس‌ها علاوه بر این رفتارهای ناپسند، مانند دیگر مناطق تحت نفوذ خود، اموال مردم رشت، انزلی و نواحی اطراف را نیز غارت می‌کردند (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۵ ه. ق، کارتن ۳۷، دوسیه ۱۱۷؛ مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۶ ه. ق، کارتن ۳۷، دوسیه ۵۴). روس‌ها در همین زمان، در اردبیل، برخی از افراد طایفه حسن‌لو را به قتل رسانده، اموال این طایفه را غارت کرده و دهکده آن‌ها را به آتش کشیدند (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۳ ه. ق، کارتن ۳۶، دوسیه ۸). همین اقدامات آن‌ها دو سال بعد نیز روستاهای اطراف اردبیل را به نابودی کشاند و بسیاری، جان خود را از دست داده یا بی‌خانمان شدند (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۵ ه. ق، کارتن ۳۷، دوسیه ۵۵). سرپیچی ترکمن‌ها از دادن سرباز به روس‌ها نیز باعث درگیری شدید نظامی میان آن‌ها و سالدات‌های روس شد و بسیاری از مردم این منطقه، جان خود را در این درگیری از دست دادند (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۴ ه. ق، کارتن ۳۷، دوسیه ۳۹؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۰/۴۴۰۱، محل در آرشیو ۱ آب ۵ ن ۴۵۴). و در سال بعد، با هجوم مجدد سالدات‌های روسی، اموال و احشام آن‌ها غارت شد (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۵ ه. ق، کارتن ۳۷، دوسیه ۶۵). تجاوز به ناموس مردم و بردن اجباری زنان به سربازخانه‌های خود، از دیگر اقدامات ناشایست روس‌ها در خلال جنگ جهانی اول در ایران بود (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۵ ه. ق، کارتن ۳۷، دوسیه ۱۱۵). روس‌ها همچنین در ارومیه برخی را به دار آویخته و منازل مردم روستاهای اطراف این شهر را به آتش کشیدند (کتاب سبز، ۱۳۶۳: ۱۴). انگلیسی‌ها نیز در ارومیه، در میان آشوری‌ها اسلحه توزیع کرده و امنیت و آرامش این شهر را نیز برهم زدند (تجدد، س اول، ش ۸۱، ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، ص ۳). توزیع اسلحه میان عشایر منطقه در محور زنجان همدان و بیجار نیز در شوال ۱۳۳۶ ق، به وسیله انگلیسی‌ها باعث بروز ناامنی و قتل و غارت در این منطقه شد (ایران، س دوم، ش ۲۷۲، ۱۶ شوال ۱۳۳۶، ص ۱). در این میان، عثمانی‌ها هم بیکار ننشسته و به عشایر اطراف ارومیه اسلحه داده و آن‌ها را به شورش تحریک می‌کردند (کتاب سبز، ۱۳۶۳: ۶).



نقش عوامل داخلی بحران‌های اجتماعی

۱. سیاست‌گذاری‌های نادرست دولت

سیاست‌های ناکارآمد دولت و تغییر مداوم کابینه‌ها در طول جنگ جهانی اول باعث شد که دولت نتواند اقدامات مؤثری را در رفع قحطی و در نتیجه، جلوگیری از بحران‌های اجتماعی انجام دهد و حتی در برخی موارد - که به آن اشاره خواهد شد - خود دولت با دخالت‌های نسنجیده در برخی امور و ارزاق عمومی باعث تشدید مشکلات اجتماعی مردم شد.

روزنامه ایران در سرمقاله روز ۲۴ شعبان ۱۳۳۶ ق. ضمن انتقاد از دخالت دولت در نرخ اجناس نوشت: «یکی از این فضاها که هر اندازه صدمات آن را پخشیده و مضرات آن را تحمل نماییم مطلقاً موجب تنبه ما نمی‌گردد مداخله دولت در امر ارزاق یعنی در قسمت راجع به تعیین نرخ است که به مجرد دخالت دفعته نتایج معکوس پخشیده و به محض آزاد شدن اثرات مطلوب ظاهر می‌گردد». انتقادات این روزنامه از عملکرد دولت در زمینه کار خبازی‌ها نشان می‌دهد که اولاً تا این زمان، دولت هیچ نظارتی در جلوگیری از افزایش خودسرانه قیمت‌ها نداشته است؛ ثانیاً عملکرد این نهاد در زمینه تقلب خبازخانه‌ها در مخلوط کردن خاک‌اره و اشیاء دیگر در خمیر آرد تقریباً صفر بوده و نظارتی صورت نگرفته است؛ بر این موارد، باید عدم نظارت دولت بر اوزان و کم‌فروشی نانوائی‌ها را - که بسیار هم متداول بوده است - نیز افزود (ایران، س دوم، ش ۲۴۱، ۲۴ شعبان ۱۳۳۶، ص ۱). البته باید تذکر داد که مخلوط کردن مواد و اشیاء غیرمعارف به خمیر آرد در نانوائی‌ها مسبوق به سابقه بود و در سال ۱۳۳۳ ق. نیز این اقدام نانوائی‌ها

مورد اعتراض مردم تهران واقع شده بود (ستاره ایران، س اول، ش ۱۳، ۱۲ رمضان ۱۳۳۳، ص ۲). روزنامه فارس، چاپ شیراز نیز در جمادی‌الاول ۱۳۳۵ ق. از ناخالصی نان عرضه شده به مردم به وسیله نانوایان خبر داد (فارس، س اول، ش ۱۵، ۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۵، ص ۴)، اما تکرار این عمل در سال ۱۳۳۶ ق. نشان می‌دهد که دولت نظارتی بر کار خیابان‌ها نداشته است و باید خاطر نشان کرد که یکی از عوامل شیوع امراض مختلف در میان مردم در سال‌های جنگ که بحران اجتماعی از جمله مرگ‌ومیرهای دسته‌جمعی را در پی داشت، همین موضوع بوده است. در خاطرات مستوفی نیز از مخلوط کردن مواد غیرمعارف به خمیر آرد در نانوایی‌ها اشاره شده است: «نانوایان هم که همیشه دزدانی هستند که پی بازار آشفته می‌گردند نه اینکه فقط آرد جو و گندم نابیخته نان می‌کنند، بلکه سبوس کهنه‌های خود را که سابقاً به گاودارها می‌فروختند بر این آرد گندم و جوی نابیخته اضافه می‌نمایند. نان‌های سنگک مثل لحاف کلفت و روی آن مثل پشت‌بام‌های کاه‌گلی که آب باران گل‌های آن را شسته و برده باشد، پر از کاه است» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۳۹۲/۲-۳۹۳). این موضوع در ادوار گذشته هم اتفاق افتاده و موجب خسارات و تلفات زیاد مالی و جانی برای مردم قحطی‌زده تهران و بقیه مناطق کشور شده است. در سال وبایی دوران ناصری و در کتاب مهدیقلی هدایت، به احتکار و گرانی غلات از سوی انبارداران غله اشاره شده است (مهدیقلی هدایت، ۱۳۸۵: ۴) که نشان‌دهنده فرهنگ زشت مرسوم به خصوص در ایران که کشوری خشک با خشکسالی‌های مداوم بود، است. این امر موضوعی تازه نبود، بلکه امتداد غیراخلاقی و غیرانسانی مسئولان داخلی در هر سطحی بوده است که بعضاً از سوی برخی از آن‌ها اجرا می‌شد و تبعات زیادی به دنبال داشت. اختلال در کار نانوایی‌ها را نیز باید به فهرست اقدامات ناسنجیده دولت اضافه کرد. مطابق برخی گزارش‌ها، دولت با دخالت‌های بی‌مورد در کاهش و افزایش سهم آرد نانوایی‌ها باعث کمبود آرد در برخی نانوایان و در نتیجه، کمبود نان در برخی مناطق تهران شده است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۵۱۶۱، محل در آرشیو ۲۳۱ ح ۱ آ آ ۱). هر چند مجربان امور، در پاره‌ای موارد برای جلوگیری از هرج‌ومرج بیشتر، سیاست کاهش و افزایش سهمیه آرد نانوایی‌ها را کنار گذاشتند (همان، سند شماره ۲۴۰/۵۷۶۲، محل در آرشیو ۴۱۸ خ ۲ آ آ ۱)، اما به‌طور کلی، بدون برنامه‌ریزی درست به سراغ مشکلات به وجود آمده می‌رفتند و حتی، بر مشکلات موجود می‌افزودند. علاوه بر این مورد، دولت در مواقع قحطی در تهران، اقدام به انتقال غله برخی شهرستان‌ها به

پایتخت کرده و موجبات قحطی در این مناطق را فراهم می‌آورد (همان، سند شماره ۲۴۰/۶۲۵۳، محل در آرشیو ۶۰۹ چ ۱ آ آ ۱). همچنان که در زمینه دیگر مواد غذایی از جمله گوشت، دولت چنین سیاستی را در پیش گرفت و نتیجه مطلوبی در پی نداشت (همان، سند شماره ۲۹۰/۱۲۳، محل در آرشیو ۱ آب ۱ و ۲۲۴).

مسئله دیگری که نتیجه سیاست‌های اشتباه دولت در زمان قحطی بود، این موضوع بود که در زمان قحطی، فقرای جامعه در صورت توانایی، تنها نان جو می‌خریدند و خریداران نان گندم بیشتر طبقه متوسط و بالای جامعه بودند؛ با عنایت به این موضوع و همچنین توجه به این نکته که در زمان جنگ به دلیل مشکلات ناشی از آن و بر پایه گزارش‌های مکرر روزنامه‌ها، میزان دسترسی به نان در شهرها همیشه در نوسان بوده است، دولت در ۱۲ رمضان ۱۳۳۶ ق. اقدام به تعطیلی بسیاری از مغازه‌های جوپزی کرد (ایران، س دوم، ش ۲۵۵، ۱۲ رمضان ۱۳۳۶، ص ۱)؛ از این رو، نوک پیکان این اقدام دولت، قشر ضعیف جامعه که بخش اعظم کشور را در برمی‌گرفت، نشانه رفت و بر زندگی آن‌ها تأثیر گذاشت؛ بنابراین، می‌توان پیش‌بینی کرد که در این زمان، میزان سرقت‌ها و نزاع‌های خیابانی تحت تأثیر این اقدام و اقدامات ناسنجیده دیگر دولت، به مراتب بیشتر شده است. عین‌السلطنه نیز در خاطرات خود نقش دولت را در به وجود آمدن مشکلات مردم، بیش از دیگر عوامل می‌داند: «قسمت عمده این ترقی زیر سر دولت‌های ماست که پیش‌بینی نکرده [اند] و جلوی محترک و تجار و کسبه بی‌انصاف ما را نگرفتند. سیاست نکردند. هر که هرچه خواست احتکار کرد و قیمت را به اشتهای خود بالا برد» (ر. ک. عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۷۹۴۲/۱۰).

۲. نقش نظامیان

نظامیان نیز در به وجود آمدن مشکلات نقش داشتند. به گزارش روزنامه نوبهار، دکان‌های نانوايي حالتی وحشت‌انگیز به خود گرفته بود. هر چه را نانوا پخت می‌کرد، قزاق‌ها به زور می‌گرفتند. آنان زن و بچه‌های فقیر را با لگد دور کرده، نان‌ها را به یغما می‌بردند (نوبهار، ش ۶۰، ۲۶ محرم‌الحرام ۱۳۳۶، ص ۳). نقش نظامیان و قزاق‌ها در کمبود نان در رمضان همین سال نیز گزارش شده است. بر اساس گزارش روزنامه ایران، علاوه بر گران‌فروشی و کم‌فروشی خبازخانه‌ها با وجود ازدیاد گندم، قزاق‌ها نیز باعث اخلاص در زندگی مردم در امر نان شده بودند. «بیشتر نان‌ها را نفرات قزاق و امنیه و سایر نظامیان

خریداری کرده و بعضی از آن‌ها با مقداری منافع به فروش می‌رسانند» (ر. ک. ایران، س دوم، ش ۲۴۹، ۳ رمضان ۱۳۳۶، ص ۲).

۳. نقش حکام شهرها

در گلپایگان و خوانسار، مکرم‌الدوله، حاکم این نواحی به حدی به اهالی منطقه، اجحاف کرده بود که مردم از وی شکایت کرده و خواستار عزل او شدند (عصر جدید، س سوم، ش ۵۴، ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۵، ص ۳)، اما دولت توجهی به شکایات مردم گلپایگان و خوانسار نکرد؛ به طوری که یک سال بعد، یعنی در ۲۵ شعبان ۱۳۳۶، شکایت مردم این نواحی از مکرم‌الدوله مجدداً در روزنامه‌ها درج شده است (ایران، س دوم، ش ۲۴۱، ۲۴ شعبان ۱۳۳۶، ص ۱). ظلم و تعدی مأموران دولتی و افزایش مالیات در شرایط جنگی در مناطق دیگر، از جمله نوبران نیز باعث اعتراض اهالی به این وضعیت شد (عصر جدید، س سوم، ش ۵۷، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۳۵، ص ۲). در کنگاور، افزایش نابهنگام و زیاد مالیات صدای مردم شهر را درآورده بود؛ آن‌ها شکایت‌نامه تنظیم و به مجلس ارسال کرده بودند، اما نتیجه‌ای از شکایت‌نامه آن‌ها عاید نشده بود (ملک‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۰). در کرد، احتشام‌الملک، حاکم این منطقه، مبالغ زیادی مالیات از مردم منطقه گرفته و مردم را در مضیقه گذاشته بود (بامداد روشن، ش ۶، ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۳، ص ۳). در خوانسار، نایب‌الحکومه این شهر با ایجاد ناامنی به کمک قحطی آمده و اموال مردم قحطی‌زده شهر را غارت کرده بود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۳/۶۶۴، محل در آرشیو ۶۱۵ ت ۱ ب آ ۱). در سمنان نیز حاکم این شهر به دلیل کوتاهی در رساندن آذوقه و مواد غذایی به مردم، از سوی دولت برکنار شد (همان، سند شماره ۲۹۳/۲۲۱، محل در آرشیو ۲۳۲ ط ۲ ب آ ۱). اداره مالیة نواحی کردستان، کرمانشاه و همدان، با فروش غله و ارزاق عمومی به قشون روسیه و عثمانی، موجب قحطی و گرفتاری‌های بعدی مردم این مناطق شدند (همان، سند شماره ۲۴۰/۲۹۳، محل در آرشیو ۶۱۰ آ ۲ آ آ ۱)، اما نباید از حمایت برخی حکام مجرب شهرها از مردم و تأمین مایحتاج آن‌ها چشم پوشید. شوکت‌الملک که در بیرجند و قائنات حکم می‌راند با وجود اینکه وابسته به انگلیسی‌ها بود، در ماجرای قحطی، طرف مردم را گرفت و در سال‌های قحطی، مایحتاج مردم را بدون حمایت دولت تأمین کرد (ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۶). همان‌طور که از گزارش منابع برمی‌آید یکی از ریشه‌های اصلی قحطی و کمبود مواد غذایی، ناکارآمدی عوامل داخلی

از جمله دولت و حکام مناطق مختلف بود. دولت و حاکمان درگیر در قحطی به هر چیزی بها می‌دادند جز رسیدگی به بدیهی‌ترین معضلات مردم.

۴. نقش مسئولان خبازخانه‌ها

بنا به اخبار روزنامه‌ها، یکی از عوامل اصلی تشدید بحران‌های اجتماعی در ایران سوءاستفاده رؤسای خبازخانه‌ها از موقعیت ایجاد شده در کشور بود.

در حالی که در آن روزها (شوال ۱۳۳۵ ق.)، گندم به اندازه کافی وارد تهران می‌شد، اما برخی از ملاکین و خبازها گندم را احتکار می‌کردند. دولت نیز نتوانست از احتکار گندم جلوگیری کند؛ در نتیجه، موضوع نان روزبه‌روز بدتر می‌شد؛ در این وضعیت، مردم از صبح تا شب مقابل نانوایی‌ها تجمع می‌کردند (زبان آزاد، ش ۲۲، ۹ شوال ۱۳۳۵، ص ۲). اقدامات رؤسای خبازخانه‌ها در ماه رمضان ۱۳۳۶ ق. نیز مشکلاتی را برای مردم به وجود آورد. به این صورت که آن‌ها با اعلام آزاد شدن قیمت‌ها از سوی دولت - با وجود ازدیاد گندم و جو و کاهش قیمت برنج - قیمت نان را به صورت خودسرانه تا چند برابر افزایش دادند. البته نقش دلال‌ها را نیز در این زمینه نباید نادیده گرفت؛ ایشان در میدان‌های شهر تهران با برنامه‌های خاص، زمینه افزایش قیمت‌ها را فراهم می‌کردند (ایران، س دوم، ش ۲۴۸، ۲ رمضان ۱۳۳۶، ص ۱). چند روز بعد، دولت تصمیم گرفت برای ایجاد رقابت در بازار خبازخانه‌ها، چندین باب دکان خبازی تأسیس کند تا بدین وسیله بتواند جلوی افزایش قیمت نان را بگیرد (ایران، س دوم، ش ۲۵۰، ۴ رمضان ۱۳۳۶، ص ۱). با دستگیری دلال‌های گندم در طی روزهای بعد تا حدودی قیمت نان کاهش یافت (ایران، س دوم، ش ۲۵۳، ۹ رمضان ۱۳۳۶، ص ۲). روزنامه ایران در ۱۲ رمضان همین سال، گزارش داد که با وجود افزایش مقدار گندم وارد شده به تهران، همچنان قیمت‌ها سیر صعودی را طی می‌کنند و خبازخانه‌ها حاضر به کاهش قیمت نبودند (ایران، س دوم، ش ۲۵۵، ۱۲ رمضان ۱۳۳۶، ص ۱). این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که با وجود اتفاقات مشابهی که در سال‌های گذشته در کشور رخ داده است، دولت هنوز به این نتیجه نرسیده بود که نظارت بر کار خبازخانه‌ها را افزایش دهد و یا شاید نابسامانی ساختار دولت باعث عدم نظارت بر کار نانوایی‌ها شده است. در هر صورت، یکی از عوامل اصلی بروز بحران‌های اجتماعی که از بحران نان ناشی می‌شد، در این مسئله نهفته است. در هفدهم همین ماه نیز روزنامه ایران در صفحه اول، یکی از عوامل اصلی گرانی نان را دلالی خبازها ذکر کرد و نوشت: «یک علت دیگر ترقی، دلالی خبازان است که از روزی

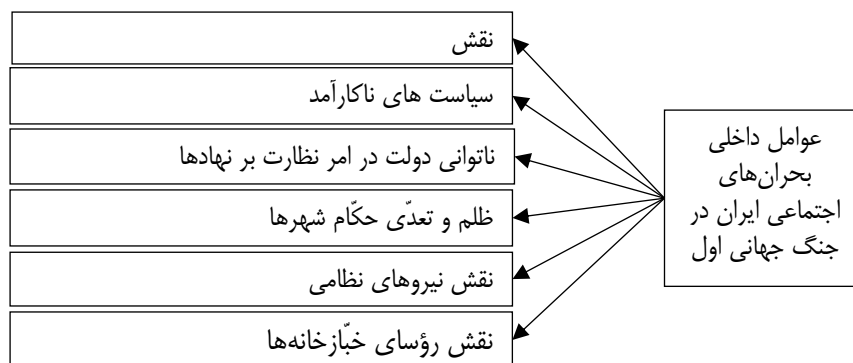
چهارصد بلکه متجاوز بار جوی که بمیدان وارد می‌شود ربع آن را پخت نکرده و مابقی را با مبلغی تفاوت به سایرین بفروش می‌رسانند» (ر. ک. ایران، س دوم، ش ۲۵۹، ۱۷ رمضان ۱۳۳۶، ص ۱). به نظر می‌رسد ضعف دولت مرکزی و ناتوانی آن در نظارت بر کار نانوایان و ضعف این نهاد مهم سیاسی در تهیه گندم و جو که در صورت لزوم برای شکستن قیمت‌ها و مقابله با نانوایان و محتکران بتواند وارد بازار کند، از عوامل اصلی آشفته‌گی بازار نان و سودجویی مسئولان خبازخانه‌ها در ایران در زمان جنگ جهانی اول بود.

۵. نقش محتکران

یکی از مهم‌ترین عوامل بروز قحطی در کشور محتکران بودند. تجار و محتکران ایرانی، از روس و انگلیس در این قضیه سبقت گرفته بودند. هر جایی که دست روس و انگلیس به مردم نمی‌رسید، سر و کله محتکران پیدا می‌شد. اینان غلات و مایحتاج مردم را خریده و انبار می‌کردند. کالاهای مورد نیاز و ضروری خارجی هم روزبه‌روز کمیاب‌تر می‌شد. جان فوران در بررسی علل اصلی و تأثیرگذار بر بروز قحطی بزرگ در سال ۱۲۹۷ ش. یکی از مهم‌ترین عوامل را «احتکار محلی» می‌داند (فوران، ۱۳۸۹: ۲۹۶). در رمضان سال ۱۳۳۳ ق. روزنامه ستاره ایران ضمن اشاره به سن و ملخ‌خوردگی محصول تهران در این سال، به دولت و وزارت داخله، درباره حمل غله قزوین و همدان به خارج کشور هشدار داد. این روزنامه نوشت: «تجار و بعضی عمال‌های مخصوص با کمال عجله از قزوین و همدان غله می‌خرند و حمل انزلی می‌کنند» (ر. ک. ستاره ایران، س اول، ش ۱۵، ۲۶ رمضان ۱۳۳۳، ص ۳). تأثیر ناگوار این اعمال بر زندگی مردم و سودهای سرشاری که از این طریق برای مالکان و تجار فراهم می‌شد، آشکار است.

به عقیده دنسترویل نیز علت قحطی و فقر مردم، احتکار بوده است. به نظر وی، گندم به قدر احتیاج و مصرف مردم همیشه موجود بود، ولی مالکان و انبارداران حاضر نمی‌شدند جنس موجودی انبارهای خودشان را وارد میدان کنند (دنسترویل، ۱۳۶۱: ۱۳۹-۱۳۸). به گزارش روزنامه تجدد، در اردیبهشت بعد از تبعید رئیس‌التجار که عامل دولت و از محتکران این شهر بود، وضعیت ارزاق عمومی مطلوب‌تر شده است (تجدد، ۲۰ رمضان ۱۳۳۵، ص ۴). عین‌السلطنه نیز از اقدامات تجار و محتکران شکایت داشت و آن‌ها را از روس‌ها و انگلیسی‌ها بدتر می‌دانست (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۴۹۰۴/۶)، اما همین عین‌السلطنه‌ای که از دست تجار و محتکران می‌نالید، بر اساس خاطرات خودش از

محتکران سرشناس بود؛ برادرش از تهران به او نامه می‌نوشت، درست است که قحطی و گرسنگی بیداد می‌کند، اما برای او که غلات فراوان انبار کرده، موقعیتی است بسیار مناسب برای گران‌تر فروختن غلات! این نمونه‌ای از بی‌رحمی ملاکان و متمولان در برابر مردم عادی بود (آبادیان، ۱۳۹۰: ۲۲۷). در شعبان ۱۳۳۶ ق. بیست خروار برنج که از سوی مأموران دولتی در تهران ذخیره و احتکار شده بود به‌وسیله مفتشین کشف شد (ایران، س دوم، ش ۲۳۹، ۲۲ شعبان ۱۳۳۶، ص ۱). در اسناد نیز به احتکار غله در برخی روستاهای تهران به‌وسیله افراد سودجو اشاره شده است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۰/۴۶۷، محل در آرشیو ۱ آب ۱ و ۵۷۰). در سبزواری و نیشابور، به دلیل احتکار مقدار زیادی گندم و جو به‌وسیله محتکران، قیمت‌ها به دو برابر افزایش یافته بود (ایران، س دوم، ش ۱۰، ۲۵۴، رمضان ۱۳۳۶، ص ۱). در نهایت، اقدامات محتکران در تشدید بحران‌های اجتماعی باعث واکنش احزاب و روزنامه‌ها شد (نوبهار، س ششم، ش ۱۰۷، ۲۶ جمادی‌الاولی ۱۳۳۶، ص ۲). همان‌طور که گزارش منابع نشان می‌دهد، درست زمانی که مردم ایران از گرسنگی می‌مردند، تعدادی از سوداگران و تجار برای پر کردن کیسه خود به قیمت افلاس هر چه بیشتر مردم، غلات و گندم را احتکار می‌کردند. این انسان‌های بی‌درد و رنج، دست در دست سهل‌انگاری‌های اولیای امور و عدم بصیرت کارکنان دولتی به قیمت مرگ مردم بی‌گناه، روزبه‌روز بر ثروت و مکنّت خود می‌افزودند. شیوه عمل آن‌ها به این شکل بود که حتی در سر خرمن به دلیل احتکار مایحتاج مردم، باعث به آسمان رفتن فریاد مردم می‌شدند؛ بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که محتکران داخلی در یک قرارداد نانوشته با عوامل دیگر از جمله خشک‌سالی، دولت‌های ناکارآمد و متفقین در تیره‌روزی هر چه بیشتر مردم ایران نقش داشتند.



نتیجه‌گیری

ایران در جنگ جهانی اول با بحران‌های اجتماعی متعددی روبه‌رو شد. قحطی، بیماری، مرگ‌ومیر، ناامنی، قتل و غارت، بحران‌هایی بود که مناطق مختلف کشور را در وضعیت بسیار ناگواری قرار داد. بی‌تردید، حضور قوای نظامی بیگانه در ایران و دخالت‌های کشورهای درگیر جنگ در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران، مهم‌ترین اسباب ویرانی کشور بود، اما برخلاف نظر غالب که عامل اصلی بحران‌های اجتماعی را حضور و فعالیت نظامی انگلستان و روسیه در ایران قلمداد می‌کند و نقش عوامل داخلی را کم‌رنگ جلوه می‌دهد، نگارندگان معتقدند عوامل داخلی مانند سیاست‌های ناکارآمد و ناسنجیده دولت، محترکان، نانوایان سودجو و ظلم و ستم مضاعف حاکمان ولایات نیز از عوامل اصلی شکل‌گیری و تشدید بحران‌های اجتماعی ایران در این دوره است. دولت ایران با دخالت‌های نابجا در امور قیمت‌گذاری کالاها، مختل کردن سیستم حمل‌ونقل در برخی مواقع، عدم نظارت صحیح بر کار نانوایان، عدم کنترل صحیح نظامیان و قزاق‌ها و مسائلی نظیر این‌ها، به رشد و گسترش این بحران‌ها کمک کرد. محترکان با انبار کردن مواد غذایی در زمان فراوانی و ایجاد قحطی مصنوعی، باعث به وجود آمدن گرفتاری‌های اجتماعی گوناگونی از جمله مرگ‌ومیر و گرایش مردم گرسنه به غارت اموال دیگران شدند. در بیشتر منابع، به‌طور مکرر به احتکار و انباشت کالاهای مورد نیاز مردم به‌منظور افزایش قیمت و به دست آوردن سود بیشتر، به‌عنوان عامل اساسی کمبود مواد غذایی اشاره شده است. برخی تجار و ملاکین یا متنفذین محلی با دست زدن به احتکار، سرمایه‌های کلانی به دست آوردند. نانوایان سودجو نیز از وضعیت آشفته مملکت و ناتوانی دولت در نظارت بر آن‌ها، سوءاستفاده کرده و به راه‌های مختلف، از جمله کم‌فروشی، گران‌فروشی و مخلوط کردن مواد نامتعارف مانند خاک‌اره به خمیر نان، بر مشکلات مردم کشور افزودند و با این اقدامات خود، ضمن آنکه باعث گسترش بعضی بیماری‌ها شدند، بسیاری را نیز به کام مرگ کشاندند. حکام شهرهای مختلف کشور با چند برابر کردن مالیات‌ها و مهم‌تر از آن، گرفتن غیرقانونی مالیات‌ها، آن‌هم در زمانی که کشور در قحطی و جنگ به سر می‌برد، باعث فقیر شدن هرچه بیشتر مردم ولایات شدند و دزدی، ناامنی، قتل و غارت را دامن زدند.

فهرست منابع و مأخذ

- آبادیان، حسین (۱۳۹۰)، *تاریخ سیاسی معاصر ایران؛ جنگ جهانی اول تا کودتا*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ابطحی، حسین و دیگران (۱۳۹۰)، «طراحی مدل پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی به منظور پیشگیری از آن‌ها توسط ناجا»، *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، شماره چهارم، سال چهارم.
- تمدن، محمد (۱۳۵۰)، *اوضاع ایران در جنگ اول یا تاریخ رضائیه*، [بی‌جا]: انتشارات کتابفروشی اسلامییه.
- دنسترویل (۱۳۶۱)، *خاطرات ژنرال دنسترویل سرکوبگر جنگل*، ترجمه حسین انصاری، تهران: کتاب فرزاد.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، *حیات یحیی*، تهران: عطار.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- فوران، جان (۱۳۸۹)، *مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- کتاب سبز (۱۳۶۳)، به مقدمه رضاقلی نظام‌مافی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- کمره‌ای، محمد (۱۳۸۴)، *روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای*، به تصحیح محمدجواد مرادی‌نیا، ج ۲، تهران: اساطیر.
- مجد، محمدقلی (۱۳۸۷)، *قحطی بزرگ*، ترجمه محمد کریمی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ملک‌زاده، الهام (۱۳۹۲)، «روایت اسنادی قحطی شرق ایران در جنگ جهانی اول»، *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، سال هفتم، شماره ۲۷.
- _____ (۱۳۹۴)، «روایت اسنادی نقش روسیه و شوروی در بحران قحطی جنگ جهانی اول در ایران»، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۵.
- ملک‌زاده، الهام و دیگران (۱۳۹۲)، *جنگ جهانی اول و دوم در ایران به روایت اسناد*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مهدیقلی هدایت، مخبرالسلطنه (۱۳۸۵)، *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار.
- نیلستروم، گوستاو (۱۳۸۹)، *جنگ جهانی اول و فارس؛ خاطرات سرگرد گوستاو نیلستروم در سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۸ از رویدادهای فارس در جنگ جهانی اول*، ترجمه افشین پرتو، تهران: آباد بوم.

| بررسی علل بحران‌های اجتماعی ایران در جنگ جهانی اول ... | ۱۳۵

- روزنامه‌ها
- روزنامه آفتاب (۱۳۳۳ ق.)، سال سوم، شماره‌های ۳۱، ۳۲ و ۳۶.
- ارشاد (۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ ق.)، سال نهم، شماره ۱۹، سال دهم، شماره ۸.
- ایران (۱۳۳۶ ق.)، سال دوم، شماره ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۷۲.
- بامداد روشن (۱۳۳۳ ق.)، سال اول، شماره ۶ و ۶۸.
- تجدد (۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ ق.)، سال اول، شماره ۸۱.
- تنبیه درخشان (۱۳۳۳ ق.)، سال نهم، شماره ۳۵.
- چهره‌نما (۱۳۳۲ ق.)، سال یازدهم، شماره ۴.
- حبل‌المتین (۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ ق.)، شماره ۱۶ و ۲۶.
- رعد (۱۳۳۲، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶ ق.)، سال ششم، شماره ۶، ۱۴۷، ۱۸۱، سال نهم، شماره ۲۳، ۲۶، ۳۴، ۶۶، ۷۵، سال دهم، شماره ۲۸، ۲۲۸.
- زبان آزاد (۱۳۳۵ ق.)، ۱۳، ۱۸، ۲۲، ۲۸.
- ستاره ایران (۱۳۳۳ و ۱۳۳۶ ق.)، سال اول شماره، ۱۳، ۱۵، ۲۴.
- عصر جدید (۱۳۳۵ ق.)، سال سوم، شماره ۵۰، ۵۳، ۵۷.
- فارس (۱۳۳۵ ق.)، سال اول، شماره ۱۵.
- کاوه (۱۳۳۶ ق.)، شماره ۲۷.
- کوبک ایران (۱۳۳۵ ق.)، شماره ۲۸.
- نوبهار (۱۳۳۳، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶ ق.)، سال چهارم، شماره ۶۰، ۶۵، سال ششم، شماره ۶۳، ۸۶، ۱۰۷.
- اسناد
- مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۳ ه. ق، کارتن ۳۶، دوسیه ۱.
- _____، ۱۳۳۳ ه. ق، کارتن ۳۶، دوسیه ۶.
- _____، ۱۳۳۳ ه. ق، کارتن ۴۲، دوسیه ۷۷.
- _____، ۱۳۳۳ ه. ق، کارتن ۳۶، دوسیه ۸.
- _____، ۱۳۳۴ ه. ق، کارتن ۳۷، دوسیه ۳۹.
- _____، ۱۳۳۵ ه. ق، کارتن ۳۷، دوسیه ۱۱۷.
- _____، ۱۳۳۵ ه. ق، کارتن ۳۷، دوسیه ۵۵.
- _____، ۱۳۳۵ ه. ق، کارتن ۳۷، دوسیه ۶۵.
- _____، ۱۳۳۵ ه. ق، کارتن ۳۷، دوسیه ۱۱۵.
- _____، ۱۳۳۶ ه. ق، کارتن ۳۷، دوسیه ۵۴.

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۷/۹۶۹۵، محل در آرشیو ۱ آب ۳ چ ۱۱۵.
- _____، سند شماره ۲۹/۵۷۷۵، محل در آرشیو ۱ آب ۲ ن ۷۱۸.
- _____، سند شماره ۲۹۰/۴۴۰۱، محل در آرشیو ۱ آب ۵ ن ۴۵۴.
- _____، سند شماره ۲۴۰/۹۷۸، محل در آرشیو ۱۱۸ ب ۲ آآ.
- _____، سند شماره ۲۴۰/۴۸۵۱، محل در آرشیو ۴۱۸ ج ۴ آآ ۱.
- _____، سند شماره ۲۴۰/۳۹۹، محل در آرشیو ۲۰۴ آ ۳ آآ ۱.
- _____، سند شماره ۲۴۰/۴۳۸۱، محل در آرشیو ۶۰۹ چ ۱ آآ ۱.
- _____، سند شماره ۲۴۰/۹۹۵۶۴، محل در آرشیو ۱ آآ ۲ د ۵۰۲.
- _____، سند شماره ۲۹۰/۵۷۹۲، محل در آرشیو ۱ آز ۴ ت ۸۱۴.
- _____، سند شماره ۲۹۰/۷۰۶۰، محل در آرشیو ۱ آز ۴ ت ۸۱۴.
- _____، سند شماره ۲۴۰/۵۱۶۱، محل در آرشیو ۲۳۱ ح ۱ آآ ۱.
- _____، سند شماره ۲۴۰/۶۲۵۳، محل در آرشیو ۶۰۹ چ ۱ آآ ۱.
- _____، سند شماره ۲۹۰/۱۲۳، محل در آرشیو ۱ آب ۱ و ۲۲۴.
- _____، سند شماره ۲۴۰/۵۷۶۲، محل در آرشیو ۴۱۸ خ ۲ آآ ۱.
- _____، سند شماره ۲۹۳/۶۶۴، محل در آرشیو ۶۱۵ ت ۱ ب آ ۱.
- _____، سند شماره ۲۹۳/۲۲۱، محل در آرشیو ۲۳۲ ط ۲ ب آ ۱.
- _____، سند شماره ۲۴۰/۲۹۳، محل در آرشیو ۶۱۰ آ ۲ آآ ۱.
- _____، سند شماره ۲۹۰/۴۶۷، محل در آرشیو ۱ آب ۱ و ۵۷۰.

Investigating the Causes of Social Crises in Iran during World War I through Looking at the Press

Elham Malekzadeh, Kamran Hamani***

Abstract

The aftermath of World War I for the Iranian people was extensive: several vast regions of the country were destroyed while tens of thousands of people perished due to famine and the outbreak of infectious diseases. As a result, the country became very unsecure, and criminal acts such as murder and looting became widespread during the war around the country. These social crises originated from domestic and international causes. This descriptive-analytical study investigated these social crises by looking into Iran's written media of this period to find out the real causes of the crises as its main question. One the main findings of this research was that contrary to the some researchers' views, the domestic factors played a more significant and destructive part in these predicaments than the international ones. For instance, the government policies, hoarders, and bakeries contributed more to the creation and worsening of the crises although the destructive role of the foreign invading countries cannot be underestimated.

Keywords: Iran, World War I, social crises, the Allies.

* Faculty Member of Research Center for Historical Sciences, Institute for Humanities and Cultural Studies; Email: elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

** PhD in Post-Islam Iran from Tarbiat Modarres University; Email: kamranhamani@yahoo.com

| Received: January 5, 2020 Accepted: May 5, 2020|